

اهمیت و جایگاه احترام در زندگی با تأکید بر سبک زندگی حضرت فاطمه علیها السلام

حجت الاسلام والمسلمین دکتر ناصر رفیعی محمدی*

مقدمه

انسان، موجودی اجتماعی است و بدون روابط اجتماعی نمی‌تواند به زندگی خویش در دنیا ادامه دهد؛ زیرا نیازهای هر انسانی تنها در اجتماع برآورده می‌شود و هیچ انسانی به تنهایی نمی‌تواند همه نیازها، به‌ویژه نیازهای احساسی و عاطفی خویش را برآورده سازد. بنابراین با توجه به ضرورت حضور اجتماعی و بهره‌مندی از آن، افراد اجتماع باید نسبت به یکدیگر احترام بگذارند تا بتوانند در یک فضای آرام، تعاملات اجتماعی داشته باشند. از همین رو یکی از مهارت‌های جامعه‌پذیری، آموزش و تربیت افراد بر اساس احترام به یکدیگر است. احترام و تکریم شخصیت به عنوان یکی از روش‌های صحیح و کارآمد در تربیت انسان، پشتوانه سلامت روان بشر و از مهم‌ترین عوامل رشد شخصیت اوست. پیشوایان معصوم علیهم‌السلام در سیره عملی خود توجه خاصی به این موضوع دارند و آن را سرلوحه برنامه‌های تربیتی و سازنده خویش قرار داده‌اند. در این نوشتار^۱ به اهمیت و جایگاه احترام در زندگی با تأکید بر سیره حضرت زهرا علیها السلام، در ابعاد مختلف پرداخته می‌شود.

جایگاه احترام در اسلام

بخش بزرگی از تعالیم و حیانی اسلام، ناظر به روابط اجتماعی انسان است. اگر روابط انسان‌ها با یکدیگر به شکل صحیحی انجام شود، تأمین‌کننده روابط انسان با خداست؛ زیرا خروجی احکام عبادی در ارتباط با خدا را می‌توان در خُلق و خوی شخص نسبت به دیگران

* عضو هیئت علمی جامعه المصطفی و مبلغ نخبه دفتر تبلیغات اسلامی.

۱. این نوشتار متن پیاده شده سخنرانی حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر ناصر رفیعی محمدی است که در ایام شهادت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام سال ۱۴۴۳ق. در جمع مبلغان دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم ایراده شده است.

جستجو کرد. یکی از آموزه‌های وحیانی، احترام به دیگران است. هر فرد با احترام گذاشتن به حقوق دیگران، به خویش احترام می‌گذارد؛ زیرا افزون بر اینکه مراعات حقوق دیگران موجب می‌شود تا دیگران نیز نسبت به حقوق ما احترام بگذارند و آن‌ها را مراعات کنند، عامل اصلی در احترام به خویشتن خویش است و این، نشان‌دهنده دستیابی به کمالات اخلاقی است که هدف بعثت پیامبر ﷺ بوده است.

اگر چه در تعالیم اسلامی، موارد بسیاری وجود دارد که باید مورد احترام قرار گیرد؛ چنانکه در کتاب احترام و تکریم،^۱ احترام به ۱۲ نوع تقسیم شده که برخی از آن‌ها همچون احترام به خود، والدین، همسر، فرزند، بزرگ هر قوم و ... هستند، اما از نگاه دین بعضی افراد و امور احترام ندارد مانند: بدعت‌گذار در دین، متجاهر به فسق و حاکم ستمگر.

۱. احترام به خود

احترام به خود، اصلی مهم و اساسی است. انسان حق ندارد به خود توهین و بی‌احترامی کند؛ چنانکه در روایت نیز آمده است: «لَا يَتَّبِعِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يُذِلَّ نَفْسَهُ؛^۲ شایسته نیست مؤمن خویشتن را ذلیل و خوار کند». همچنین: «إِنَّ اللَّهَ فَوَّضَ إِلَى الْمُؤْمِنِ أُمُورَهُ كُلَّهَا وَ لَمْ يُفَوِّضْ إِلَيْهِ أَنْ يَكُونَ ذَلِيلًا؛^۳ خداوند اختیار همه کارها را به مؤمن داده، اما این اختیار را به او نداده است که ذلیل باشد».

برخی افراد با رفتار و عملکردی که دارند، اجازه توهین به خود از سوی دیگران را صادر می‌کنند. پیامبر اسلام ﷺ در سفارشی به امیرالمؤمنین عليه السلام این افراد را معرفی کرده است: کسی که به میهمانی‌ای برود که به آن دعوت نشده است، میهمانی که به صاحب‌خانه دستور دهد، کسی که از دشمنانش خیر و نیکی طلب کند، کسی که از فرومایگان انتظار فضل و نیکی داشته باشد، کسی که در یک کار سرتی میان دو نفر وارد شود که او را وارد آن راز نکرده‌اند، کسی که حکومت را سبک بشمارد، کسی که جایی نشیند که شایسته آنجا نیست و کسی که سخن خود را به کسی بگوید که از او حرف‌شنوی ندارد.^۴

۱. اکبری، محمود، احترام و تکریم، قم: جامعه مدرسین، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۶۴.

۳. محمد بن حسن طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۷۹.

۴. محمد بن علی صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۵۵.

۲. احترام به مقدسات

امام صادق علیه السلام در تعریف مقدسات فرموده است:

لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي بِلَادِهِ حَمْسُ حُرْمٍ حُرْمَةُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ حُرْمَةُ آلِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ حُرْمَةُ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ حُرْمَةُ كَعْبَةِ اللَّهِ وَ حُرْمَةُ الْمُؤْمِنِ؛^۱ برای خدای عزوجل در شهرهایش پنج حرمت است (که احترام آن‌ها بر مردم لازم است): حرمت رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، حرمت خاندان رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، حرمت کتاب خدای عزوجل، حرمت کعبه خانه خدا، حرمت مؤمن.

۲/۱. حرمت رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

احترام به رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در قرآن را می‌توان به دو دسته «بایدها» و «نبایدها» تقسیم کرد. بایدها مانند: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ».^۲ نبایدها مانند: «لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ».^۳

۲/۲. حرمت خاندان رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

زیارت جامعه کبیره، شناسنامه احترام به اهل بیت علیهم السلام است، در فرازهای بسیاری از این دعای شریف، به جایگاه و شأن اهل بیت علیهم السلام اشاره شده است. رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز بر احترام به اهل بیت خود نیز تأکید کرده است: «أَيُّهَا النَّاسُ عَظُّمُوا أَهْلَ بَيْتِي فِي حَيَاتِي وَمِنْ بَعْدِي وَ أَكْرِمُوهُمْ وَ فَضِّلُوهُمْ»؛^۴ ای مردم! اهل بیت مرا در زمان حیاتم و پس از مرگ من بزرگ دارید و به آنان احترام گذارید و برتری‌شان دهید».

۲/۳. حرمت کتاب خدا

خداوند در آیات بسیاری به وجوب احترام به قرآن اشاره کرده است که در کتاب قرآن در قرآن اثر ارزشمند آیت الله جوادی آملی جمع‌آوری شده است.^۵

۲/۴. حرمت خانه خدا

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در نهج البلاغه درباره حرمت خانه خدا فرموده است: «فَرَضَ عَلَيْنَاكُمْ

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۱۰۷.

۲. نساء: ۵۹.

۳. حجرات: ۲.

۴. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۰، ص ۳۱۳.

۵. برای مثال ر.ک: واقعه: ۸۱، نساء: ۲۸، یونس: ۵۷ و ...

حَجَّ بَيْتِهِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلَهُ قِبْلَةً... وَ لِلْعَائِدِينَ حَرَمًا؛^۱ خداوند زیارت بیت‌الحرام خود را که قبله مردمانش قرار داد، بر شما واجب کرد... و برای پناه‌آوردندگان آنجا را امن ساخت».

۲/۵. حرمت مؤمن

امام صادق علیه السلام در روایتی حرمت مؤمن را بالاتر از حرمت خانه کعبه دانسته است: «الْمُؤْمِنُ أَعْظَمُ حُرْمَةً مِنَ الْكَعْبَةِ».^۲

گفتنی است از نظر دین مبین اسلام، تمام ادیان الهی برای برقراری پیوند میان انسان و خداوند، نجات و هدایت آدمی آمده‌اند. پیامبران عظیم‌الشان الهی علیهم السلام نیز برای دعوت انسان به سوی خداوند و گسترش عدالت برانگیخته شده و چون هدف نهایی همه یکی است، هیچ‌کدام دیگری را رد نکردمانند؛ بلکه پیامبران پیش از خود را تصدیق کرده و به آمدن پیامبری پس از خود نوید داده‌اند. پیامبران با یکدیگر اختلافی نداشتند و اگر تفاوتی در شرایع آن‌ها به چشم می‌خورد، به سبب نیازهای زمانی و شرایط خاص بوده است؛ از این رو هر فرد مسلمان باید به مقدسات و عقاید سایر ادیان احترام بگذارد و نباید به آن‌ها بی‌احترامی کند. قرآن از بی‌احترامی نسبت به عقاید مشرکان نیز نهی کرده است؛ زیرا بی‌احترامی به عقاید آنان موجب بی‌احترامی آنان به خداوند متعال می‌شود.^۳ در فضای کنونی همزمان با حفظ مرز وحدت و مرز روشنگری و عدم خلط میان آن‌ها، باید ضمن احترام به عقاید و مقدسات دیگر ادیان الهی و غیر الهی، حقیقت چهره ناب اسلام را به نمایش گذاشت تا بتوان با دیگر افراد جامعه زیست مسالمت‌آمیز داشت.

احترام در سبک زندگی حضرت زهرا علیها السلام

حضرت زهرا علیها السلام در مسئله اطاعت و احترام، الگوی بی‌بدیلی است که امروز باید بیش از پیش مورد توجه و عاظ و نویسندگان قرار گیرد. در این قسمت به اهمیت احترام در زندگی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در روابط سه‌گانه خود با والدین، همسر و فرزندان اشاره می‌شود:

۱. احترام به والدین

خداوند احترام به والدین را در کنار وحدانیت خود قرار داده^۴ و به انسان دستور داده است که

۱. محمد بن حسین شریف الرضی، نهج‌البلاغه، تصحیح صبحی صالح، خطبه اول.

۲. محمد بن عی صدوق، الخصال، ج ۱، ص ۲۷.

۳. انعام: ۱۰۸.

۴. نساء: ۳۶.

برای والدین خویش دعا کند،^۱ به آنان نیکی و احسان نماید^۲ و با آنان بزرگوارانه سخن بگوید.^۳ در روایات نیز از منت گذاشتن بر والدین در برابر انجام کاری نهی شده است:

الْمَنَّانُ عَلَىٰ آبَوَيْهِ وَإِخْوَتِهِ وَأَخْوَاتِهِ بَعِيدٌ مِنَ الرَّحْمَةِ وَبَعِيدٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ قَرِيبٌ مِنَ النَّارِ لَا يُسْتَجَابُ لَهُ دَعْوَةٌ وَلَا يُقْضَىٰ لَهُ حَاجَةٌ وَلَا يُنْظَرُ اللَّهُ إِلَيْهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛^۴ کسی که بر پدر، مادر، برادران و خواهرانش منت نهد، از رحمت خدا و فرشتگان دور، و به آتش جهنم نزدیک است. دعایش مستجاب نمی‌شود و حاجتش برآورده نمی‌شود و خداوند در دنیا و آخرت به او توجه نمی‌کند.

اگر چه آن حضرت مدت زمان کوتاهی از نعمت وجود مادر بهره‌مند بود، اما همواره منبع آرامش مادرش، حضرت خدیجه علیها السلام بود؛ چنانکه نقل است:

هنگامی که حضرت خدیجه علیها السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله که فردی یتیم و فقیر بود، ازدواج نمود؛ زنان مکه از او دوری می‌کردند و به او سلام نمی‌کردند. از این رو حضرت خدیجه علیها السلام احساس تنهایی می‌نمود. هنگامی که به فاطمه علیها السلام باردار شد، حضرت فاطمه علیها السلام در شکم حضرت خدیجه علیها السلام با او حرف می‌زد و او را به صبر و شکیبایی دعوت می‌نمود. حضرت خدیجه علیها السلام سخن گفتن حضرت فاطمه علیها السلام با خود را از پیامبر صلی الله علیه و آله مخفی می‌کرد تا اینکه روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله شنید که خدیجه علیها السلام با خود صحبت می‌کند. فرمود: «با چه کسی سخن می‌گویی؟» خدیجه علیها السلام عرض کرد: «الْجَنِينِ الَّذِي فِي بَطْنِي يُحَدِّثُنِي وَيُنْشِئُنِي؛ جنینی که در شکم من است، پیوسته با من حرف می‌زند و موجب آرامش من می‌شود». پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: «يَا خَدِيجَةُ هَذَا جِبْرِئِيلُ يُخْبِرُنِي [إِيْشْرَئِيْلُ] أَنَّهَا أَنْثَىٰ وَأَنَّهَا النَّسْلَةُ الطَّاهِرَةُ الْمَيْمُونَةُ وَأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَىٰ سَيَجْعَلُ نَسْلِي؛^۵ ای خدیجه! جبرئیل مرا بشارت داده که او دختری پاک و مبارک است و خداوند تبارک و تعالیٰ مقدر نموده که نسل من از طریق او برقرار و پایدار بماند و مقرر فرموده که فرزندان او پس از انقطاع وحی، امام و خلیفه خدا در زمین باشند».

بانوی بزرگ اسلام در احترام به پدر و پرستاری از آن حضرت نیز نمونه‌ای بی‌نظیر بود؛ چنانکه نقل است وقتی دندان رسول خدا صلی الله علیه و آله در جنگ احد شکست و خود بر سر آن حضرت

۱. لقمان: ۱۴.

۲. نوح: ۲۸.

۳. اسراء: ۲۳.

۴. حسن بن محمد دیلمی، ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۹۴.

۵. محمد بن علی صدوق، الامالی، ج ۱، ص ۱۹۴.

اصابت کرد، امام علی علیه السلام با سپر آب می‌ریخت و حضرت زهرا علیها السلام خون سر پیامبر صلی الله علیه و آله را می‌شست. وقتی آن حضرت دید خون سر بند نمی‌آید، تکه حصیری را سوزاند و خاکستر آن را بر زخم پیامبر صلی الله علیه و آله گذاشت تا خون بند آمد.^۱ در جنگ خندق نیز نان پخت و برای رسول خدا صلی الله علیه و آله نان آورد.^۲ احترام بانوی بزرگ اسلام نسبت به پدرش تا آنجا بود که وقتی آیه «لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا قَدْ يَعْلَمُ»^۳ نازل شد، آن حضرت نیز پدرش را با عنوان «یا رسول الله» خطاب می‌کرد، اما پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود:

يَا فَاطِمَةُ إِنَّمَا لَمْ تَنْزِلْ فِيكَ وَلَا فِي أَهْلِكَ وَلَا فِي نَسْلِكَ أَنْتِ مَيِّ وَ أَنَا مِنْكَ إِنَّمَا نَزَلَتْ فِي أَهْلِ الْجَفَاءِ وَالْعَلْظَةِ مِنْ قُرَيْشٍ أَصْحَابِ الْبَدْحِ وَالْكَبْرِ قُولِي يَا أَبَتِ فَإِنَّهَا أَحْيَا لِلْقَلْبِ وَأَرْضِي لِلرَّبِّ؛^۴ ای فاطمه! این آیه درباره تو نازل نشده و نه درباره خاندان و نسل تو. تو از منی و من از توام. این آیه در مورد جفاکاران و تندخویان بی‌ادب از قریش نازل شده است. بگو پدر جان، که این سخن قلب مرا زنده می‌کند و خدا را خشنود می‌سازد.

محبت و احترام متقابل میان حضرت زهرا علیها السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله تا آنجا بود که وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله اندوهگین می‌شد، تنها حضرت زهرا علیها السلام می‌توانست غم را از چهره آن حضرت بزدايد. وقتی حضرت زهرا علیها السلام آن حضرت را «یا ابنا» می‌نامید، قلب و روح پیامبر صلی الله علیه و آله شادمان می‌شد، جز آنجا که در میان در و دیوار قرار گرفت و فرمود: «ای پدر بزرگوار! ای رسول خدا! این چنین با عزیزدلت و دخترت رفتار کردند»^۵ و قلب پیامبر صلی الله علیه و آله را آتش زد.

۲. احترام به همسر

ازدواج ماندگار و حقیقی، ازدواجی است که شاکله آن بر اساس عشق و محبت شکل گیرد و تداوم یابد. حق تعالی نیز برای این منظور، اکسیر اعظم و گوهر گرانبها و با ارزش محبت را در نهاد زن و مرد قرار داده است: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْتَمِرُونَ»^۶ و از نشانه‌های او اینکه از [نوع] خودتان

۱. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۹، ص ۱۹۲.

۲. همان، ج ۱۶، ص ۲۲۵.

۳. نور: ۶۳: «خطاب کردن پیامبر را در میان خود مانند خطاب کردن بعضی از خودتان به بعضی [دیگر] قرار مدهید».

۴. محمد بن علی ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج ۳، ص ۳۲۰.

۵. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۴۷.

۶. روم: ۲۱.

همسرانی برای شما آفرید تا بدان‌ها آرام‌گیرید و میانتان دوستی و رحمت نهاد. آری، در این [نعمت] برای مردمی که می‌اندیشند، قطعاً نشانه‌هایی است». زن و شوهر برای رسیدن به آرامش و گرم شدن کانون خانواده و تحکیم آن، می‌بایست این امر فطری را نسبت به یکدیگر ابراز کنند تا رابطه دوستانه و صمیمانه آنان بیش از پیش برقرار شده و جلوی اصطکاک‌ها و بداخلاقی‌ها گرفته شود. نمونه بارز یک زندگی پر از عشق و محبت را می‌توان در ازدواج امیرالمؤمنین علیه السلام با حضرت زهرا علیها السلام مشاهده کرد؛ ازدواجی که با شاخصه‌های سادگی، بی‌آلایشی، کم‌بودن جهیزیه و مهریه آغاز شد و با مهرورزی و عشق تداوم یافت.

زندگی بانوی بزرگ اسلام و امیرالمؤمنین علیه السلام چندین اصل دارد که هر یک را می‌توان به طور مفصل مورد بررسی قرار داد. یکی از این اصول، اصل محبت است. این محبت تا آنجا بود که حضرت صدیقه کبری علیها السلام به امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمود: «رُوحِي لِرُوحِكَ وَقَاءً، وَ نَفْسِي لِتَفْسِيكَ فِدَاءً؛^۱ روحم فدای روح تو و جانم سپر بلای جان تو».

امیرالمؤمنین علیه السلام نیز در فراق همسر عزیزش چنین سرود:

نَفْسِي عَلَى زَفْرَاتِهَا مَحْبُوسَةٌ يَا لَيْتَهَا خَرَجَتْ مَعَ الرَّفَرَاتِ
لَا خَيْرَ بَعْدَكَ فِي الْحَيَاةِ وَإِنَّمَا أَخْشَى مَخَافَةَ أَنْ تَطُولَ حَيَاتِي^۲

«غم و غصه جانم را در سینه حبس کرده، ای کاش همراه این همه غم و اندوه جانم از بدن خارج می‌شد. بعد از تو دیگر در زندگی خیر و امیدی نیست. گریه من به خاطر ترس از طولانی شدن عمرم بعد از توست».

اگر فاطمه علیها السلام برترین بانوی جهانیان است و در میان زنان از هر جهت، کسی دارای مقامی والاتر از او نیست؛ پس شناخت تمام لحظات زندگی بانوی بزرگ اسلام و لحظه لحظه‌های حیات پر برکتش از ارزش فوق‌العاده‌ای برخوردار است؛ زیرا با دقت و تأمل در آن می‌توان به عالی‌ترین رتبه‌های روحانی رسید.

۳. احترام به فرزند

ارزش و اهمیت فرزند در اسلام تا آنجاست که خداوند دستور داده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ؛^۳ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خودتان

۱. سید هاشم بن سلیمان بحرانی، مدینه المعاجز الائمة الاثني عشر، ج ۳، ص ۳۶۹.

۲. محمد بن علی ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج ۱، ص ۲۴۰.

۳. تحریم: ۶.

و کساتان را از آتشی که سوخت آن مردم و سنگ‌هاست، حفظ کنید». رسول خدا ﷺ در تفسیر آیه «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ»^۱ و کسانی که گرویده و فرزندان‌شان آن‌ها را در ایمان پیروی کرده‌اند، فرزندان‌شان را به آنان ملحق خواهیم کرد و چیزی از کار [ها]شان را نمی‌کاهیم؛ هر کسی در گرو دستاورد خویش است»؛ فرموده است:

الرَّجُلُ الْجَنَّةَ سَأَلَ عَنْ أَبِيهِ وَرَوْجَتِهِ وَوَلَدِهِ، فَيَقَالُ: إِنَّهُمْ لَمْ يَبْلُغُوا دَرَجَتِكَ. فَيَقُولُ: يَا رَبِّ، قَدْ عَمِلْتُ لِي وَلَهُمْ. فَيُؤَمَّرُ بِالْحَاقِقِمْ بِهِ؛^۲ وقتی آدمی داخل بهشت می‌شود از پدر و مادر خود و از ذریه و فرزندان‌ش پرسش می‌کند. به او می‌گویند: آن‌ها به درجه تو نرسیدند و عمل تو را نداشتند. می‌گوید: پروردگارا! من اگر عمل کردم، به نیت خودم و آنان عمل کردم. آن وقت دستور می‌رسد ایشان را هم به وی ملحق کنند.

فرزند به پنج نوع تربیت نیاز دارد: تربیت دینی، تربیت اخلاقی، تربیت اجتماعی، تربیت عاطفی و تربیت سیاسی. سیره و عملکرد حضرت زهرا علیها السلام در رفتار با فرزندان‌ش و تربیت آن‌ها نیز الگویی بی‌مثال بود؛ چنانکه بر اساس گزاره‌های تاریخی در غروب هر جمعه فرزندان‌ش را دور هم جمع می‌کرد و به آن‌ها می‌گفت در پاسخ دعاهایش آمین بگویند و آن‌ها را در شب‌های قدر بیدار نگه می‌داشت تا از فضیلت این شب‌ها بهره ببرند:

وَ كَانَتْ فَاطِمَةُ علیها السلام لَا تَدْعُ أَحَدًا مِنْ أَهْلِهَا يَتَامُ تِلْكَ اللَّيْلَةَ وَ تُدَاوِيهِمْ بِقَلَّةِ الطَّعَامِ وَ تَتَأَهَّبُ لَهَا مِنَ النَّهَارِ وَ تَقُولُ مَحْرُومٌ مَنْ حُرِمَ خَيْرِهَا؛^۳ و فاطمه علیها السلام رها نمی‌کرد احدی از خانواده‌اش را در این شب که بخوابد و علاج می‌کرد خواب ایشان را به کمی طعام، و از روز آن‌ها را برای احیای آن مهیا میکرد [یعنی امر می‌کرد که روز را بخوابند و شب‌ها بیدار باشند] و می‌فرمود: محروم کسی است که از خیر امشب محروم بماند.

حضرت با فرزندان‌ش بازی می‌کرد و به آنان در خلال بازی درس دین می‌داد. نقل است با

امام حسن علیها السلام بازی می‌کرد و او را بالا و پایین می‌انداخت و برایش این‌گونه شعر می‌خواند:

أَشْبَهُ أَبَاكَ يَا حَسَنُ
وَ أَخْلَعُ عَنِ الْحَقِّ الرَّسَنُ
وَ أَعْبُدُ إِلَهًا ذَا مِثْنِ
وَ لَا تُؤَالِ ذَا الْإِخْنِ^۴

۱. طور: ۲۱.

۲. سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹، ص ۱۶.

۳. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۴، ص ۱۰.

۴. همان، ج ۴۳، ص ۲۸۶.

اهمیت و جایگاه احترام در زندگی با تأکید بر سبک زندگی حضرت فاطمه علیها السلام ■ ۲۳۱

«حسن جان! همچون پدرت باش و ریسمان (ظلم و ستم) را از (گردن) حق بر کن. خداوند منان را پرستش نما و کینه‌توز و حق‌ستیز را به دوستی مگیر».

در تربیت سیاسی نیز هنگامی که به مسجد رفت و خطبه فدکیه را خواند، حضرت زینب علیها السلام را که کودکی ۵ ساله بود، با خود برد.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن حیون، نعمان بن محمد، شرح الاخبار فی فضائل ائمه الابرار علیهم السلام، تصحیح محمدحسین حسینی جلالی؛ چاپ اول، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۹ق.
۲. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، چاپ اول، قم: علامه، ۱۳۷۹ق.
۳. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، مدینه المعجز الائمة الاثنی عشر، چاپ اول، قم: مؤسسه المعارف الاسلامی، ۱۴۱۳ق.
۴. دیلمی، محمد بن حسن، ارشاد القلوب الی الصواب، چاپ اول، قم: شریف الرضی، ۱۴۱۲ق.
۵. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، تصحیح صبحی صالح، چاپ اول، قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.
۶. صدوق، محمد بن علی، الامالی، چاپ اول، قم: بعثه، ۱۴۱۳ق.
۷. _____، النخصال، تصحیح علی اکبر غفاری، چاپ اول، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ش.
۸. _____، من لایحضره الفقیه، تصحیح علی اکبر غفاری، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
۹. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹ق.
۱۰. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، تحقیق حسن الموسوی خراسان؛ چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۱۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، چاپ دوم، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.